



پیرامون تازه‌ترین دوروی
جشنواره‌ی فیلم کوتاه کلن آلمان

اولین فیلم‌های سینماگران

حامد مفتری



توسع گونه‌ها

یازدهمین دوروی جشنواره‌ی جهانی فیلم کوتاه کلن دسامبر سال ۲۰۰۸ در شهر کلن آلمان برگزار شد. در این جشنواره‌ی ۵ روزه، ۱۰۰ فیلم کوتاه به نمایش درآمد و جالب این که ۲ فیلم از ایران نیز در بخش مسابقه‌ی آن شرکت داشتند. این دوره از جشنواره از ۷ بخش اصلی تشکیل می‌شد و گونه‌های مستند، تجربی و پویانمایی (انیمیشن) را در بر می‌گرفت. فیلم‌های این جشنواره از میان ۲۵۰۰ اثر از فیلمسازان ۷۵ کشور جهان برگزیده شده بودند. حضور کشورهایی چون دانمارک، انگلیس، اسپانیا، برزیل و کانادا در یازدهمین دوره از جشنواره چشمگیر بود. کشورهای پرتغال و بلژیک به عنوان مهمان در این جشنواره شرکت داشتند و برخی از آثار سینماگران خود را که از نظر تکنیک، سبک و محتوا برجسته‌تر بودند به نمایش گذاشتند. دو بخش فیلم‌های دانشجویی ایالت نوردراین - وستفالن و فیلم‌های کوتاه مدرسه‌ی سینمایی شهر کلن جای ویژه‌ی از این جشنواره را به خود اختصاص داده بودند.

انگشت‌نما

فیلم «گوسفند سبز» از فیلمساز و بازیگر آلمانی «کارستن اشتراخ» که در بخش مسابقه‌ی این جشنواره نشان داده شد، از جمله فیلم‌های بحث‌برانگیز بود. کارستن اشتراخ کارگردان این فیلم که در سال ۲۰۰۷ با فیلم کم‌دی «آدم لاف‌زن» توجه دوستاران سینمای آلمان را برانگیخت، در گفت‌وگویی کوتاه با خبرنگار بولتن جشنواره‌ی کلن، درباره‌ی فیلمش توضیحاتی داد که در زیر می‌خوانید.

چرا عنوان گوسفند سبز را برای فیلمتان انتخاب کردید؟

این عنوان برداشتی آزاد از یک ضرب‌المثل آلمانی است.

من تصور می‌کردم به خاطر تحریک کنجکاوی مخاطبان بوده که این عنوان را انتخاب کردید!

خیر، اصلاً چنین قصدی نداشتم. یک ضرب‌المثل آلمانی هست که در آن گوسفند سیاه به معنای کسی که به هر دلیلی انگشت‌نما شده، تصویر می‌شود. من هم با گرت‌تبردار از این سبیل، عنوان فیلمم را انتخاب کردم.

استقبال مخاطبان از فیلمتان را چه‌طور دیدید؟ نکته‌ی قابل ذکر در مورد استقبال مخاطبان این است که به غیر از طرفداران بر و یاقرص فیلم کوتاه، در سال‌های اخیر شاهد رویکرد مثبت مخاطبان عام نسبت به این گونه فیلمسازی بودیم. خوشبختانه گوسفند سبز هم واکنش‌های خوبی را دریافت کرد. خیلی‌ها از ایده‌ی ساخت فیلم می‌پرسیدند و بسیاری هم اذعان داشتند که فیلم من قابلیت تبدیل شدن به یک اثر بلند را دارد!

فیلم‌های دیگر کشورها را هم دیدید؟ بله، تا حدودی. چند فیلم از اسپانیا دیدم که بین آن‌ها یکی واقعاً ایده‌ی بکری داشت. فیلم، داستان روحی را روایت می‌کرد که ناخودآگاه در جسم شخصی دیگر حلول می‌کرد.

چندان ایده‌ی بکری هم نبوده است! در ساختار سینمایی بلند خیر اما در قالب فیلم کوتاه چرا! فیلم‌های کدام کشورها را متفاوت دیدید؟

همان‌طور که گفتم اسپانیا، بعد از آن هم کانادا، البته کشورهای آسیایی هم پیشرفت‌های شایان توجهی داشتند اما در این کشورها همه چیز بر محتوا استوار شده و کم‌تر به تکنیک‌های سینمایی توجه می‌شود. اصلی‌ترین دلیل این مسئله چه می‌تواند باشد؟ متأسفانه هنوز هم به جز چند کشور خاص، در

اغلب کشورها تهیه‌ی سرمایه معضل اصلی بر سر راه تولید فیلم کوتاه است!

با وجود بازتاب‌های جهانی این گونه‌ی سینمایی، چرا در برخی کشورها توجه کافی به این گونه نمی‌شود؟

چون در این کشورها صنعت سینما بر مبنای ساخت فیلم بلند بنا شده و بر همین اساس فیلم کوتاه بازگشت سرمایه و بازدهی اقتصادی لازم را برای سرمایه‌گذاری ندارد.

احتمالاً مهم‌ترین عامل این وضعیت هم آن است که به فیلم کوتاه به دیده‌ی احترام نگریسته نمی‌شود!

به نکته‌ی خوبی اشاره کردید. فیلم کوتاه با فیلم غیرحرفه‌یی متفاوت است و متأسفانه این نکته‌ی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است! اگر امکان دارد در این باره بیشتر صحبت کنید. سینمای غیرحرفه‌یی، سینمای آدم‌های تازه‌کار و جایی برای آموختن قواعد اولیه‌ی فیلمسازی است، ولی فیلم کوتاه یک مقوله‌ی متفاوت بوده و در نوع خود یک گونه‌ی سینمایی بالغ است. سازنده‌ی فیلم کوتاه، سینما را آموخته اما این قالب را برای کار و بیان اندیشه‌اش انتخاب کرده، در حالی که یک غیرحرفه‌یی به انجام هر کاری راضی است؛ از ساخت تیزر گرفته تا کارگردانی نماهنگ!

ضمن این که فیلمسازان در چه یک بسیاری هم



Amir Shabnam
Amir Te

فیلمساز و بازیگر آلمانی «کارستن اشتراخ» سازندهی فیلم «گوسفند سبز»



▲ «فون دونرسمارک» کارگردان فیلم «دوبرمن»

داریم که هم‌چنان به ساخت آثار کوتاه می‌پردازند! همین‌طور است. ما فیلمسازانی داریم که ۲۰ سال سابقه‌ی ساخت فیلم کوتاه دارند. این افراد غیر حرفه‌یی نیستند و در ساخت فیلم کوتاه تجربه‌ی کافی دارند؛ فقط به جای آن که فیلم بلند بسازند، فیلم کوتاه می‌سازند.

فیلم‌های ایرانی

فیلم‌های کوتاه دو کارگردان جوان ایرانی نیز در این جشنواره به نمایش درآمدند؛ «درخت من» از «سارا سیادت‌زاد» و «دردر غیرمجاز» از «محمد گلزاریان» که در ایران با عنوان «هشکل لاینحل» معروف است! درخت من فیلم کوتاهی‌ست که سیادت‌زاد در سال ۲۰۰۷ ساخته است. این فیلم رنگی و صامت (بدون دیالوگ)، داستان زن جوان هنرمندی را بازگو می‌کند که می‌کوشد درخت خشک و بی‌پار و بری را نقاشی کند. این درخت در ساحل بیکران دریای آرام ریشه دوانده است. نقاش پیش از آن که شروع به کار کند، ابتدا سطل آبی پای درخت می‌ریزد و پس از آن به جای نقاشی، در رویا فرو می‌رود و به خیال‌پردازی مشغول می‌شود. سیادت‌زاد با حرکت آرام دوربین، استفاده از نماهای طولانی و خلق تصاویری بکر موفق شده به مفهوم امید و آرزو عینیت ببخشد.

این فیلم جوایز اول بخش رسانه‌های جدید را در جشنواره‌های بین‌المللی اسپانیا و یونان از آن خود کرد. فیلم دیگری که از ایران به نمایش درآمد، دردر غیرمجاز بود که در سال ۲۰۰۸ ساخته شده است. رویدادهای این فیلم در دهی واقع در کردستان رخ می‌دهد. قهرمان این فیلم کوتاه ۱۶ دقیقه‌یی، جوان مبتکری‌ست که روزی تصمیم می‌گیرد در ده خود، برای امرار معاش مغازه‌ی کرایه‌ی فیلم یا به

دونرسمارک انجام شده است را در زیر می‌خوانید. چند سال است که جشنواره‌ی کلن را دنبال می‌کنید؟

از دوران جوانی علاقه‌ی خاصی به این جشنواره که در کشور خودم برگزار می‌شود، داشتام و وقتی که تصمیم جدی برای ورود به عرصه‌ی سینما نداشتم، سعی می‌کردم فیلم‌های آن را ببگیری کنم. دلیل این علاقه و پیگیری چه بوده است؟

معمولاً آن چه در این‌گونه جشنواره‌ها به نمایش درمی‌آید بهمانند جشنواره‌های دیگر چندان که باید بازتاب جهانی پیدا نمی‌کند و این در حالی است که در میان فیلم‌های این جشنواره، آثار باکیفیت فراوانی یافت می‌شوند.

آیا فکر می‌کنید که اگر به آثار کوتاه هم به اندازه‌ی آثار بلند پرداخته شود شاهد استقبال مخاطبان از آن‌ها خواهیم بود؟

اگر منظورتان مخاطب عام است که خیر، چرا که تماشاگر عادی سینما وقتی می‌خواهد راجع به فیلمی صحبت کند در بیش‌تر مواقع فقط به پایان فیلم اشاره کرده و بر همین اساس فیلمی را خوب یا بد می‌پندارد. اگر بنا است که به آثار کوتاه بپردازیم، بهتر آن است که قشری از مخاطبان که حداقلی از معلومات سینمایی را دارا هستند مورد توجه قرار گیرند. با این نگرش باید فیلم کوتاه را تنها مناسب حال یک اقلیت دانست.

در مجموع بله. البته فراموش نکنید فیلم‌های کوتاه زیادی هم داریم که به معنای واقعی کلمه برای مخاطب عام ساخته می‌شوند.

در جشنواره‌ی امسال کلن فیلم‌های زیادی را دیدیم که بیش‌تر از آن که تصویر یک واقعیت همه‌گیر باشند، برشی از فلسفه‌های ذهنی سازندگانشان بودند!

این موضوعی است که در تمام انوار وجود داشته است؛ هر چند به نظر من هیچ‌گاه نمی‌توان راجع به فلسفه‌ی یک کارگردان برای ساخت یک فیلم نقد به کار برد، چون فلسفه به خودی خود چه با باور ما در یک راستا باشد و چه نباشد قابل نقد نیست.

منظورتان را نمی‌فهمم، یعنی فیلم‌های فلسفی قابلیت نقد شدن ندارند؟!

این‌گونه فیلم‌ها را باید به لحاظ تکنیکی نقد کرد نه به لحاظ مفهومی که فیلم تداعی‌گر آن است. فلسفه وقتی قابل نقد می‌شود که قابل نقض باشد و وقتی ما نتوانیم نقضی برای یک فلسفه پیدا کنیم هیچ‌گاه نمی‌توانیم آن را نقض کنیم.

... و این همان نکته‌ی است که مخاطبان کم‌تر به آن توجه می‌کنند!

بله؛ متأسفانه در سال‌های اخیر فیلم‌های بسیاری را دیدیم که تنها به دلیل بیان کردن دیدگاهی خاص، مورد واکنش‌های منفی منتقدان قرار گرفته‌اند! ■

عبارتی ویدیو کلوب باز کند ماجراهای سفر این جوان به شهر نزدیک ده برای تهیه‌ی کالاهاى مورد نیاز، دستمایه‌ی اصلی این اثر کوتاه را می‌سازد.

توجه به قشری خاص

جشنواره‌ی جهانی فیلم کوتاه کلن از سال ۱۹۹۸ همه ساله در این شهر برپا می‌شود. شهرت این جشنواره در معرفی اولین فیلم‌های کوتاه سینماگران جوان است. این جشنواره به‌ویژه در عرضه‌ی آثار دانشجویان ایالت نوردراین - وستفالن و مدارس فیلم و فیلمنامه‌نویسی شهر کلن فعال بوده است. در همین جشنواره بود که برای اولین بار فیلم‌های کوتاه «فاتح آکین» کارگردان مشهور ترک‌تبار آلمانی، با عنوان «ترکی‌شده» به نمایش درآمد. هم‌چنین اولین فیلم «فلوریان هنکل فون دونرسمارک» در این جشنواره نشان داده شد. این فیلم که در سال ۲۰۰۰ ساخته شده، «دوبرمن» نام دارد. فون دونرسمارک به خاطر فیلم سینمایی - تاریخی «زندگی دیگران» که داستان یک مأمور سازمان امنیت آلمان دموکراتیک (اشتازی) را بازگو می‌کند، جایزه‌ی اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان را در سال ۲۰۰۷ از آن خود کرد. فون دونرسمارک درباره‌ی جشنواره‌ی فیلم کوتاه کلن همواره با نوعی احترام سخن گفته است.

خلاصه‌یی از گفت‌وگویی که به بهانه‌ی برگزاری تازه‌ترین دوره‌ی جشنواره‌ی فیلم کوتاه کلن با فون